



بنزین و یک تجربه رسانه‌ای ارزشمند

حدود یک ماه است افکار عمومی با موضوع بنزین دست به گریبان است. رسیدن به آستانه ناترازی و محدودیت در واردات بنزین به دلایل ارزی و محاصره، شرایطی را فراهم کرده که باید درباره بنزین تصمیماتی گرفته شود. هفته‌های گذشته ابتدا اخباری مبنی بر توزیع بنزین با نرخ چهارم ۸۷هزار تومانی در استان کرمان مطرح شد و سپس آقای سقاب، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت در گفت‌وگویی از سه سناریو در زمینه بنزین نام برد که شامل توزیع سهمیه بنزین براساس کد ملی به همه خانوارها نه فقط خودرودارها و امکان فروش سهمیه مازاد با نرخ کشف شده در عرضه و تقاضا، عرضه بنزین با نرخ چهارم ۸۷ هزار تومان (طرح کرمان) و عرضه بنزین به میزان تولید داخل (۱۲۰ میلیون لیتر در روز) و تعطیلی جایگاه‌ها پس از تمام شدن بنزین قابل عرضه می‌شد. در ادامه اخبار حاکی از پیرنگ شدن گزینه عرضه سهمیه بنزین به خانوارها به جای خودروها بود اما در این میان اتفاق‌هایی افتاد که فعلاً این سناریوها متوقف شد و به گفته رئیس جمهور قرار است قیمت سوم بنزین که ۵ هزار تومان است به ۱۰هزار تومان افزایش یابد.

اینکه سناریو مطلوب در شرایط حساس فعلی اقتصادی و سیاسی کشور کدام است، محل بحث این نوشتار نیست، بلکه بحث بر سر فرایندی است که منجر به عقب‌نشینی از تصمیم قبلی شد. در حقیقت پیش‌بینی می‌شد با عرضه سهمیه بنزین به نرخ کشف شده در عرضه و تقاضا، شاهد جهش شدید قیمت باشیم. اگرچه با سهمیه‌های موجود و بهره‌مندی خانوارها به‌ویژه خانوارهای فاقد خودرو از عواید فروش سهمیه مازاد، بخش قابل توجهی از جامعه درآمد جدیدی کسب می‌کرد، اما بخشی از جامعه که برای رفت و آمد در مسیرهای طولانی و فاقد حمل و نقل عمومی مناسب به‌ویژه در شهرهای اقماری به شهرهای اصلی و افرادی که کسب و کار آن‌ها به نحوی با حمل و نقل مبتنی بر بنزین ارزان گره خورده و در زمره تاکسی‌های اینترنتی نیز نیستند که مشمول سهمیه‌های بیشتر شوند، دچار فشار هزینه‌ای شدیدی می‌شدند که ممکن بود آن‌ها را به سمت اعتراض و آشوب بکشاند.

آنچه موجب عقب‌نشینی از تصمیم قبلی شد، فضای نسبتاً باز رسانه‌ای به‌ویژه در فضای مجازی بود. در شرایطی که صدا و سیما از پرداختن اثرگذار به موضوعات و چالش‌های روز و به میدان آوردن توان کارشناسی برای بحث و نقد و نظر درباره موضوعات مهم ناتوان است، گفت‌وگوهای شکل گرفته در فضای مجازی و برنامه‌های گفت‌وگومحور، نقش مهمی در نقادی و آشکار کردن پیامدهای خطرناک طرح‌های بنزینی و همچنین مطرح کردن ایده‌های جدید در این زمینه داشت.

در حقیقت در دنیای رسانه که این روزها نقش رسانه‌های رسمی و مرجعیت آن‌ها به کمترین میزان رسیده است، رسانه‌هایی که فضای بازی برای به چالش کشاندن روایات‌های یک‌سویه و تریبون‌های یک‌جانبه ایجاد می‌کنند، مؤثر هستند و حتی می‌توانند در موضوعی مثل طرح بنزین موجب تغییر در تصمیم‌گیری دولت شوند. فارغ از نقدهای وارد و نואورد و سیاسی و غیرسیاسی این روزها به صدا و سیما، باید به این درک رسید که دوران نگاه‌های یک‌سویه و تریبون‌های یک‌جانبه گذشته است و افکار و ایده‌های مختلف به‌ویژه در موضوعاتی که به سرنوشت کشور و عموم مردم گره خورده است، می‌توانند حرف خود را بزنند و این حرف‌ها برای مخاطب خسته‌از رسانه‌های رسمی و موضع بالا به پایین آن‌ها، جذاب‌تر و شنیدنی‌تر است.

خبر

ناو هواپیمابر و ناوشکن آمریکا هدف قرار گرفتند
پاسخ موشکی سپاه در خلیج فارس

کمتر از ۲۴ ساعت پس از حمله سنتکام به سه نفتکش ایرانی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با دو عملیات جداگانه، ناو هواپیمابر و یک ناوشکن آمریکایی را با موشک بالستیک هدف قرار داد و یک شمشاد دشمن را در آستانه تنگه هرمز منهدم کرد. این اقدام، پاسخ قاطع به تجاوز آمریکا بود و شناورهای جنگی دشمن پس از وارد آمدن خسارت، منطقه را ترک کردند.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باامداد یکشنبه در اطلاعیه شماره ۱۱۰ اعلام کرد: نیروی هوافضای سپاه با چند فروند موشک بالستیک، ناو هواپیمابر و یک ناوشکن ارتش کودک کش متجاوز آمریکا را که برای کشتنی‌های ایرانی مزاحمت ایجاد کرده و در محاصره دریایی شرکت داشتند، مورد حمله قرار داد. بر اساس این اطلاعیه، دو شناور جنگی پس از وارد شدن خسارت و ترس از حمله مجدد، مجبور به فرار از منطقه درگیری شدند.

سپاه تأکید کرد دشمن متجاوز که سال‌ها با غرور کاذب و ادعاهای پوشالی در منطقه جولان می‌داد، امروز ناچار به اعتراف رسمی شد که دو ناو جنگی نیروی دریایی آمریکا مورد حمله قرار گرفته است. اعتراف سنتکام به وقوع این عملیات، سند زنده‌ای از شکست راهبردی دشمن و اثبات قدرت تهاجمی سپاه پاسداران ارزیابی شد. ساعاتی بعد، روابط عمومی سپاه در اطلاعیه شماره ۱۱ از هدف قرار گرفتن یک فروند شمشاد (شناور مدیریت‌پذیر از راه دور) ارتش تروریستی آمریکا توسط نیروی دریایی سپاه خبر داد.

این عملیات در شرایطی انجام شد که روز شنبه سنتکام از حمله به سه نفتکش مرتبط با سپاه خبر داده بود. سپاه پاسداران با این اقدام، پاسخ دندان‌شکنی به تجاوز آمریکا داد و بار دیگر نشان داد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصمم و قاطعانه از کیان ایران اسلامی دفاع می‌کنند. سپاه در پایان اطلاعیه‌های خود هشدار داد در صورت ادامه اقدام‌های خصمانه و متجاوزانه، رژیم آمریکا باید منتظر پاسخ‌های سهمگین‌تری باشد.

رسانه اسرائیلی مدعی شد ایران در حال هماهنگی با حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها برای حمله به اسرائیل است

کابوس بی‌پایان محور مقاومت برای جنایتکارها



گروه سیاسی | در حالی که رژیم اشغالگر قدس روز به روز بر دامنه جنایت‌هایش می‌افزاید، پاسخ محور مقاومت، تنها کابوسی است که خواب جنایتکاران را همچنان آشفته می‌کند. روزنامه اسرائیلی جروزالم پست نوشت ارزیابی‌ها در اسرائیل نشان می‌دهد تهران در تلاش است متحدان منطقه‌ای خود را برای انجام یک حمله همزمان علیه اسرائیل هماهنگ کند؛ اقدامی که ظاهراً با هدف جلوگیری از تکرار ناهماهنگی‌هایی انجام می‌شود که در جریان حمله ۷ اکتبر مشاهده شد.به گزارش یورونیوز، این روزنامه نوشت ایران ظاهراً در حال آماده‌سازی یک حمله گسترده و هماهنگ علیه اسرائیل از چندین جبهه به‌طور همزمان است؛ سناریویی که به یک حمله احتمالی شبیه ۷ اکتبر شباهت دارد، اما از ابتدا با هدف گرد هم آوردن تمامی اجزای «محور ایران» طراحی شده است.

■در قالب یک کارزار واحد

بر اساس این ارزیابی‌های ادعایی، ایران در تلاش است نیروهای خود را با حزب‌الله در لبنان، حماس، حوثی‌ها در یمن و شبه‌نظامیان طرفدار ایران در عراق، در قالب یک کارزار واحد ترکیب کند. در ۷ اکتبر، حماس حمله خود را بدون آنکه جبهه‌های دیگر به‌طور همزمان و با هماهنگی کامل وارد عمل شوند، آغاز کرد. ایده یک جنگ منطقه‌ای گسترده علیه اسرائیل حتی پیش از آن مطرح شده بود. اسناد داخلی حماس که پس از حمله در نوار پدست آمد، نشان داد یحیی سنوار تلاش کرده بود دامنه درگیری را گسترش دهد و جبهه‌های دیگری را نیز وارد آن کند. در یکی از اسناد برنامه‌ریزی، بر ضرورت «پیوند دادن و آمادهم‌سازی جبهه‌های خارجی» یعنی لبنان، سوریه و سینا

و همچنین توافق قبلی بر سر سازوکارهای ارتباطی برای دوران عادی و زمان جنگ تأکید شده بود. آنچه پس از جنگ روشن شد این بود که این هدف، پیش از حمله، با هماهنگی کامل همراه نشده بود. بر اساس ارزیابی‌های منتشرشده آمریکا و اسرائیل؛ ایران و حزب‌الله پیش از ۷ اکتبر از همه جزئیات طرح حماس یا تاریخ دقیق اجرای آن مطلع نشده بودند. بر اساس این ارزیابی، سنوار معتقد بود موفقیت حمله اولیه در ادامه موجب خواهد شد حزب‌الله و ایران وارد یک کارزار گسترده‌تر شوند. حزب‌الله در جبهه شمالی آتش گشود، اما صبح همان روز و همزمان با حمله حماس، یک حمله گسترده و در مقیاس بزرگ را آغاز نکرد.

تحمل مردم تا کجاست؟

اما آنچه موجب ناامیدی می‌شود و سرمایه اجتماعی را متزلزل می‌کند، تحمل مضاعف سختی‌هایی است که با تدبیر و تلاش جهادی قابل مدیریت و رفع و رجوع بوده و ممکن است با سوءمدیریت یا کم‌کاری شماری از مسئولان ناکارآمد بر جامعه تحمیل شده باشد. یعنی وقتی مردم مجبور باشند در کنار سختی‌های جنگ و عداوت دشمنان کشور، ضعف توزیع کالا و گرانی‌های ناشی از آن، سهل‌انگاری در برابر قاچاق، هدررفت منابع و فاسدشدن کالاهای اساسی در انبارها، تصمیم‌های متناقض، جاری بودن بروکراسی معمول، پرداختن به امور دست‌چندم و... را هم تحمل کنند.

در واقع هزینه‌ای که دشمن بر کشور تحمیل می‌کند، قابل تحمل است؛ ولی هزینه‌ای که از داخل کشور بر مردم تحمیل می‌شود را چگونه می‌توان تحمل کرد؟ حتی هزینه مسائل ساختاری و نظام حکمرانی نیز اگر چشم‌انداز مثبت و اراده‌ای برای حل مسئله وجود داشته باشد، قابل تحمل است، اما موضوع سوءمدیریت و کم‌کاری چیزی نیست که در این شرایط به سادگی قابل هضم باشد. چون توقع ندارند علاوه بر هزینه جنگ، هزینه اداره جنگ هم بر دوشان سنگینی کند.

از همه این‌ها سهمگین‌تر، احساس بی‌عدالتی و نابرابری در تحمل این سختی‌هاست، یعنی جایی که خانواده حقوق‌بگیری که قدرت

■طرح ایران؛ عملیات چندجبهه‌ای علیه اسرائیل

بر اساس گزارش‌های رسانه‌های عربی، تهران اکنون ظاهراً در تلاش است دقیقاً این خلأ را برطرف کند. هدف طرح مورد بررسی این است که چندین جبهه بتوانند به‌طور همزمان علیه اسرائیل عملیات انجام دهند و یک کارزار چندجبهه‌ای را از همان ابتدا به بخشی از راهبرد تبدیل کنند. تغییر در رهبری حماس نیز در این زمینه اهمیت دارد. خلیل الحیه که در ماه جولای به‌عنوان رهبر حماس انتخاب شد، روابط خوبی با ایران دارد و سال‌هایی از چهره‌های اصلی این سازمان در حفظ روابط با تهران بوده است. الحیه از اعضای جریان مستقر در غزه در حماس که به سنوار نزدیک بود، جایگاه جناحی را در رهبری سازمان تقویت می‌کند که به دنبال حفظ روابط راهبردی نزدیک حماس با ایران است. همچنین نشانه‌هایی از تلاش ایران برای بازسازی «محور مقاومت» و احیای سازوکارهای هماهنگی میان جبهه‌های مختلف مشاهده شده است.

در گزارشی که ماه گذشته منتشر شد، آمده بود ارتش اسرائیل هماهنگی دوباره میان حماس و حزب‌الله را با کمک ایران شناسایی کرده است؛ اقدامی که بخشی از تلاش برای افزایش فشار همزمان بر اسرائیل از شمال و جنوب است. بر اساس یک ارزیابی منتشرشده از سوی ارتش اسرائیل، حماس و حزب‌الله در هفته‌های اخیر، با کمک ایران، هماهنگی برای افزایش فعالیت‌های خود را آغاز کرده‌اند.

■محور ایران؛ نقش کانونی‌تر عراق و یمن

در گزارش‌های اخیر مورد استناد جروزالم پست همچنین ادعا شده مقام‌های ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران با فرماندهان حزب‌الله، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان عراقی درباره گسترش دامنه نبرد گفت‌وگو کرده‌اند؛ مقام‌های ارشد نیروی قدس با فرماندهان سه جبهه تماس‌های کنفرانسی داشته‌اند و مشاوران ایرانی نیز در میدان با آن‌ها همکاری کرده‌اند. گزارش‌هایی نیز درباره تلاش ایران برای سرعت بخشیدن به تولید موشک‌ها و پهپادها و بازگرداندن توانمندی‌هایی که آسیب دیده بودند، منتشر شد.

این تلاش برای بازسازی در شرایطی انجام می‌شود که توازن قدرت در داخل این محور نیز در حال تغییر است. بر اساس ارز یابی‌ها، آسیب‌های وارد شده به حزب‌الله و سقوط حکومت بشار اسد در سوریه، اهمیت شبه‌نظامیان عراقی و حوثی‌ها در یمن را افزایش داده است. همزمان، برگزاری رزمایش‌های مشترک ثبت شده، روابط عملیاتی و شخصی میان این گروه‌ها نزدیک‌تر شده و هماهنگی بر سر تصمیم‌های سیاسی و نظامی میان اجزای این محور افزایش یافته است.

محور ایران اکنون در شرایط منطقه‌ای متفاوتی نسبت به دوران پیش از ۷ اکتبر فعالیت می‌کند؛ شرایطی که در آن عراق و یمن نقش کانونی‌تری پیدا کرده‌اند.

خریدش از ابتدای سال تاکنون کاهش یافته و خود نیز راه صرفه‌جویی در پیش گرفته، همزمان شاهد نابرابری نامتعارف دستمزدها، مصارف غیرضروری، امتیازات خاص، سوءاستفاده و احتکار هم باشد.

مقاومت مردمی زمانی پایدار می‌ماند که مردم احساس کنند همه در کنار هم و با هم در حال مبارزه‌اند و مسئولان‌شان هم در حال مقاومت و بلکه مجاهدت هستند. مضاف بر اینکه تاب‌آوری را فقط از جامعه و مردم نمی‌توان انتظار داشت؛ بلکه حکومت نیز باید تاب‌آوری خود را بالا ببرد؛ چه در عرصه مدیریتی و تطبیق با شرایط جنگی و چه در عرصه تحمل و نقدپذیری. از سوی دیگر ناکارآمدی یک دستگاه که در شرایط عادی ممکن است صرفاً یک مشکل مدیریتی باشد، در شرایط جنگی می‌تواند به مسئله امنیت ملی تبدیل شود و به اندازه فشار خارجی هزینه‌ساز باشد؛ چراکه هدف دشمن از راهبرد فشار اقتصادی، چیزی جز ایجاد نارضایتی اجتماعی نیست و ناکارآمدی نیز همین نتیجه‌را در پی دارد. بنابراین در جنگ اقتصادی، اصلاح حکمرانی اقتصادی خودش بخشی از دفاع ملی است.

اما مخاطب این باید‌ها طبیعتاً دستگاه‌های نظارتی کشور هستند که مجلس شورای اسلامی در رأس آن‌هاست. مجلس است که می‌تواند با ابزارهای نظارتی خود معضلات اجرایی و مدیریتی را سامان دهد و این انتظار طبیعی مردم را تحقق بخشد. مجلسی که گرچه در هفته‌های اخیر به‌صورت مجازی آغاز به کار کرده، ولی تا رسیدن به «تراز مردم مبعوث‌شده» و تحقق فرمایشات رهبری معظم راه درازی در پیش دارد.

ایران برای نخستین بار در دور تازه درگیری، ناو هواپیمابر و ناوشکن آمریکا را مستقیماً هدف موشک‌های بالستیک قرار داد؛ جنگ دریایی حالا وارد مرحله جدیدی شده است

ناوها در تیررس موشک‌ها

در محدودتر کرده‌اند. دولت هم عملاً وجود مسئله را پذیرفته است. وزارت اقتصاد از تشدید فعالیت «قرارگاه جنگ اقتصادی» برای رسیدگی به مشکلات تجارت، تأمین مالی و تولید خبر داده است. اما مسئله این نیست که آیا ایران آسیب اقتصادی می‌بیند یا نه. روشن است که می‌بیند. پرسش این است که آیا آیین آسیب می‌تواند آمریکا را به هدفش از شروع جنگ برساند یا نه. دنیس راس، مذاکره‌کننده پیشین آمریکا، در رویترز درباره همین نقطه تردید کرده است. او گفته واشنگتن ممکن است فشار اقتصادی ایران را با موفقیت راهبردی اشتباه بگیرد و یادآوری کرده که ایرانی‌ها بارها آمریکا را از نظر میزان تاب‌آوری خود غافلگیر کرده‌اند. راس همچنین افزوده تردید دارد فشار اقتصادی و نظامی به‌تنهایی ایران را وادار به عقب‌نشینی کند. این همان نقطه‌ای است که محاسبه ایران بر آن بنامی‌شود. دوام صرف کافی نیست؛ دوام باید به هزینه‌مقابل تبدیل شود. اگر ایران فقط فشار را تحمل کند، آمریکا می‌تواند فرسایش را ادامه دهد. اما اگر هر مرحله از محاصره، هزینه نظامی، انرژی یا سیاسی برای واشنگتن ایجاد کند، زمان ممکن است از یک ابزار فشار علیه ایران به بخشی از اهرم ایران تبدیل شود. حوادث ۴۸ ساعت اخیر، مهم بود. آمریکا تلاش کرد نشان دهد نفتکش‌های ایران، بخشی از میدان مشروع فشار هستند؛ ایران هم پاسخ داد که ناوهای نظامی مجری محاصره را بیرون از میدان نمی‌بیند. اگر این منطق تثبیت شود، «جنگ نفتکش‌ها» فقط جنگ بر سر نفت نخواهد بود.

■شرط بندی روی جنگ طولانی

با این حال، نگاه از موضع ایران نباید به انکار هزینه‌های محاصره منجر شود. فشار اقتصادی واقعی است. رویترز گزارش داده محاصره دریایی و تحریم‌های تازه صادرات نفت، دسترسی به ارز و ارتباط ایران با شبکه‌های مالی بین‌المللی